



مریم طباطبایی
مترجم و منتقد

تحولات تاریخی همیشه منبع الهام‌بخش و تأثیرگذاری در روایت کردن داستان‌ها و سوزده‌های مناسبی برای نویسندگان در ادوار مختلف بوده و هستند. باغ‌های تسلا، نوشته پریسا رضا، رمانی ست یادرومایه تاریخی و اجتماعی. باغ‌های تسلا داستان دو نسل از یک خانواده ایرانی در میانه تحولات و بحران‌های تاریخی و آشوب‌های پیش آمده به واسطه همین تحولات را برای خواننده روایت می‌کند. زن و شوهری از میان سادگی‌ها و آرامش روستای قصر کاشان با به دنیای پر از هیاهوی شهر گذاشته و به همراه آن مشکلات و دگرگونی‌های زندگی آنها نیز شروع می‌شود. طلا و سردار یاد‌هایی پر از امید از شهر سر در می‌آورند و در این میانه به طور ناخواسته پا به دنیایی می‌گذارند که چندان با دنیایی که از آن کوچ کرده‌اند شباهت ندارد. مرد و زنی که به دنبال ساخت دنیایی جدید و متفاوت برای خود هستند. روایت و داستان اصلی زندگی آنها از سال ۱۲۹۹ و از اسفند همان سال، با وج گرفتن تحولات سیاسی آغاز می‌شود. با کودتای رضاخان تحولات جدیدی در زندگی شهری و در روابط سیاسی آدم‌ها و اجتماع شروع می‌شود. بعد از آن، کودتای ۲۸ مرداد به وقوع می‌پیوندد و پرواضح است که چنین رخدادی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی ویژه‌ای را در بردارد. نویسنده دید و چشم‌انداز تقریباً وسیعی نسبت به احوالات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران دارد و به خوبی می‌توان این موضوع را در بررسی و تشریح اتفاقات و مناسبات در آن دوران دید. روایت با جزئیات بسیار و توضیحات عمیقی از وقایع و رخدادها پیش می‌رود و به خواننده این امکان را می‌دهد تا بتواند خود را در میانه رویدادهای در حال وقوع ببیند. عشق همچنان برای نویسنده موضوع مهم و در خور توجهی ست. عشق میان سردار و طلا که در هر لحظه و در هر موقعیتی به آنها کمک می‌کند تا سختی‌ها را تاب بیاورند. یکی از عناصر مهم روایت در کتاب باغ‌های تسلا، جغرافیای آن است. داستان از توصیفات دقیق روستای قصر کاشان آغاز می‌شود. همان جایی که ملو از باغ‌های سرسبز، آرامش و فضای روایتی قهرمانان داستان از یطن چنین محیط آرام و بی‌دغدغه‌ای پایه محیط پر از آشوب شهر می‌گذارند. شخصیت‌های داستان در چنین محیطی رشد کرده و با آن فرهنگ انس گرفته‌اند و در واقع نمادی از فرهنگ دیرینه ایران را نیز در این تصویرسازی‌ها می‌بینیم. تضاد زندگی روستایی و شهری با آمدن طلا و سردار به تهران بیشتر خود را نشان می‌دهد. بارادوکس میان بگری و آرامش روستاهای قصر و محیط خاکستری، مدرن و صنعتی شهر که برای هر دوی آنها تازگی دارد. این تضادها نکته‌های اداری در تحولاتی که در آن دوران، جامعه ایران به آن مبتلا شده است و نویسنده توانسته با هر همان در دسترس این موضوع را به خواننده نشان دهد. داستان به خوبی توانسته است که آن فضای متلاطم را توصیف طلا نام‌داست از آرزوها و امیدهایی که گره می‌خورد با دشواری‌ها، غم‌ها و آمالی که گاهی از دست رفته به نظر می‌رسد. سردار اما نشان دهنده انسانی با تلاش‌هایی رو به آینده ست، که در میانه تغییرات و تحولات اجتماعی با وجود تمام دشواری‌ها، همچنان ایستادگی می‌کند و امید دارد به فردایی بهتر روشن‌تر. نویسنده در این روایت از زبانی زیبا و شاعرانه استفاده کرده است. افکار و اندیشه‌ها و زبان کارکنارها را با فضای ذهنی و درونی آنها هم‌رسم کرده و توانسته اندیشه آنها را در مواجهه با هر کدام از مسائل پیش رویشان به خوبی توصیف کند. نویسنده از توصیفات و تصاویر بصری برای پیش برد داستان بهره زیادی برده است تا خواننده بتواند با محیط آشنایی پنداری بیشتری داشته باشد. رازی دانای کل است و در بیشتر قسمت‌های داستان زبان روایی اش خواننده را جذب می‌کند و او را پای روایت‌های دقیقش میخکوب می‌کند. کتاب با پرداخت احساسی و ظریف به موضوع مهاجرت اشاره کرده است. این موضوع را صرفاً نه از نظر اجتماعی‌های آن بلکه با نگاهی شاعرانه و احساسی روایت می‌کند. شخصیت‌ها درگیر بحران هویت، دل‌نگینی و کشف دوباره خود و اطرافشان هستند. امری که برای خواننده ملموس است. داستان به شیوه‌ای غیر خطی روایت می‌شود و فلسف‌های مرتب به حال و آینده دارد و خواننده با این روش به راحتی می‌تواند معمای زندگی قهرمانان داستان را با کنار هم گذاشتن این پازل کشف کند. نویسنده از زبانی توصیفی برای روایت کردن کل داستان بهره برده است. با توصیفات بجا از ترس‌هایشان برای زندگی گفته است و آنها را برای خواننده با جلوه‌ای روشن نمایان کرده است. شخصیت‌های داستان به مدد شخصیت‌پردازی قوی و حساب شده نویسنده توانسته‌اند به خوبی قلم کرده و خود را به تمامی به خواننده بشناسانند. فضا سازی‌های داستان برای خواننده هم دووجه کاملاً متمایز برای خواننده دارد. شاید این پایان باز برای برخی خوشایند باشد و برخی را عمیقاً به فکر فرو ببرد. داستان گره‌های بسیاری دارد که در طول روایت به آرامی باز می‌شود و این امر ممکن است برای خواننده‌ای که انتظار ریتمی تند و سریع دارد کمی خسته کننده شود و اما این کتاب‌گذریست بر تاریخ، در داستان و بر روایتی که گاهی آدمی را به فکر فرو می‌برد.

در گفت‌وگو با سولماز دولت زاده بررسی شد

ناگفته‌های زندگی شکسپیر در «همیت و جودیت»



آرمان ملی - بیتا ناصر: ویلیام شکسپیر (۱۶۱۶-۱۵۶۴) را بزرگ‌ترین نویسنده و نمایشنامه‌نویس جهان برمی‌شمارند؛ ناغفته انگلیسی که با آثارش، تحولات سترگی را در آینده ادبیات و هنری جهان ایجاد کرد. با این همه، فاصله زمانی بیش از ۴۰۰ ساله باعث شده، اطلاعات متقن و کاملی از زندگی شکسپیر در دست نیابد و این مساله، مگی اوفارل را که از شیفتگان اوست، واداشته تا سال‌ها به پژوهش و کنکاش روی منابع و اسناد مختلف ادبی و تاریخی بپردازد؛ تلاشی که در رمان «همیت و جودیت» تجلی پیدا کرده است. سولماز دولت زاده، مترجم این کتاب می‌گوید: «مورخان و نویسندگان عمده با سهواً از همسر و زندگی خانوادگی شکسپیر همان نقاط پنهان شده در فضای سفید بین سطرهای آثار شکسپیر است. با این گفت‌وگو همراه شوید.»

«آخرین اثر ترجمه‌ای شما با عنوان «همیت و جودیت» از مگی اوفارل، نویسنده انگلیسی - ایرلندی به تازگی از سوی انتشارات آفتابکاران در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. در وهله نخست درباره این اثر و ساختار آن توضیح دهید.»

«همیت و جودیت» رمانی است تاریخی و سربسردگی و شیفتگی خاصی به ویلیام شکسپیر شهر دارد و نوشتن این رمان را رادی دینی می‌داند به بزرگ‌ترین نویسنده کشورش که همواره اسرار زندگی اش در سایه‌ای از ابهام قرار داشته است. همان طور که اوفارل در مصاحبه‌هایش می‌گوید، از شانزده سالگی به دنبال یافتن راز و رمز زندگی شکسپیر بوده و هر کتابی که درباره شکسپیر به دستش می‌رسیده مطالعه می‌کرده و در نتیجه آشنایی کاملی با تمامی آثار این نویسنده و شاعر بزرگ دارد. به گونه‌ای که رگه‌هایی از همان ژرفا و چندلایگی آثار مرشدش در این اثر نیز موج می‌زند. ترکیبی از منطق و احساس، مرگ و زندگی، مفاهیم فلسفی، عشق و امید. این اثر صرفاً به زندگی خانوادگی شکسپیر نمی‌پردازد و خواننده را فراتر از متن می‌برد. بی‌جهت نیست که رمان «همیت و جودیت» می‌تواند هر خواننده‌ای را با هر میزان سواد ادبی جذب

کند، چه آن‌انکه شکسپیر را خوب می‌شناسند و با غزلیات و نمایشنامه‌هایش آشنا هستند، چه آن‌ها که فقط نامی از او شنیده‌اند. این رمان حاصل سال‌ها تحقیقات گسترده کتابخانه‌ای و تجربی مگی اوفارل است متشکل از دو فصل. فصل اول با هفده بخش و فصل دوم حاوی یک بخش که به نظر من درخشان‌ترین قسمت رمان است. رمان از روایتی خطی تبعیت نمی‌کند و بین گذشته و حال در رفت‌وآمد است. «زن» در این رمان محور و مرکز زندگی است؛ زنی جسور، متکی به خود و درمانگر که عقاب دست‌آموز دارد، پرورش‌نمور و گیاهان دارویی دارد و شبیه زنان زمانه‌ی خود نیست. زنی که زیاد می‌فهمد، حس می‌کند، و جهان را در مشت دارد. شاید اغراق نباشد اگر شخصیت زن این رمان را تأثیرگذارترین زن غایب ادبیات انگلیسی قرن شانزدهم به نامیم. زنی که الهام بخش قلم توانای ویلیام شکسپیر بوده است. همچنین بر طبیعت و قدرت بخشندگی آن در این اثر تأکید فراوان شده است.

«همان‌طور که در مقدمه کتاب آمده، نام همیت عنوان یکی از مشهورترین نمایشنامه‌های جهان است. در حالی که شخصیت و داستان زندگی اش در طی سالیان به‌کل به فراموشی سپرده شد. از این منظر «همیت و جودیت» تا چه میزان در روایت زندگی همیت موفق بوده است؟

از زندگی همسر و سه فرزند شکسپیر همان‌طور که می‌دانیم اطلاعات زیادی در دست نیست. شکسپیر در هجده سالگی با زنی بیست و شش ساله به نام اگنس ازدواج می‌کند و حاصل این پیوند می‌شود سه فرزند به نام‌های سوزانا، همیت و جودیت. همیت در یازده سالگی از دنیا می‌رود و ویلیام شکسپیر حدود پنج سال پس از مرگ پسرش نمایشنامه‌ای به نام همیت می‌نویسد. آن چه در این رمان می‌خوانیم، به مدد مطالعات گسترده اوفارل و البته تخیل قوی او، شاید نزدیک‌ترین روایت ممکن از زندگی همیت باشد.

«همیت در سال ۱۵۹۶ در یازده سالگی درگذشت و نمایشنامه همیت، حدود پنج سال پس از آن نوشته شد. علاوه بر تشابه اسمی، به نظر شما نمایشنامه‌ی همیت تا چه اندازه می‌تواند با زندگی همیت در ارتباط باشد؟

نمایشنامه پنج پرده‌ای همیت قصه بی‌ظنیر و یگانه‌ای دارد. قصه‌ای که حتی اگر لایه‌های فلسفی، بدایع و صنایع ادبی اش را جدا کنیم و کنار بگذاریم از یگانگی اش نمی‌کاهد. به نظر من نمایشنامه همیت از چنان عمقی برخوردار است و چنان گستردگی دارد که می‌تواند با زندگی تک‌تک انسان‌ها در ارتباط باشد. جدای این، به نظر می‌رسد سخن سرای آون برای جاودانه کردن فرزند از دست رفته‌ی خود این نام را برای نمایشنامه‌ی ترازوی خود برگزیده. همیت با این جمله آغاز می‌شود: «بودن یا نبودن؟ مسأله این است.» مگر همین یک جمله کافی نیست برای اندیشیدن به معنای انسان بودن و زندگی؟ مگر همین یک جمله کافی نیست برای جاودانه کردن نام فرزندی که فراتر از مرزها جهان ادبیات را تسخیر کرده است؟!

«اوفارل در این اثر ضمن الهام از زندگی کوتاه همیت و با زرفرینی تصاویری از او، به ارتباطات خانوادگی و وقایع مرتبط با آن می‌پردازد. درباره زندگی خانوادگی شکسپیر، فرزندان و مسائل‌ی که این خانواده با آن درگیر بودند، بگوئید.»

به نکته خوبی اشاره کردید. اوفارل با الهام از مطالعات و تحقیقاتش درباره‌ی زندگی شکسپیر و همسر و فرزندان این رمان را نوشته و تأکید می‌کند هرچه در این رمان می‌خوانیم برآمده از تخیل اوست. با وجود اطلاعات ناکافی از زندگی شکسپیر باقی مانده، به نظر اهتمام و تلاش اوفارل در کشودن گره‌های تاریخی زندگی او در این رمان به بار می‌نشیند. او در خلال تحقیقاتش متوجه می‌شود مورخان و نویسندگان عمده با سهواً همسر شکسپیر به ندرت یاد کرده‌اند و حتی در آن چند بار هم با زبانی تند و تیز به او تاخته‌اند. به نظر من روایت اوفارل از زندگی خانوادگی شکسپیر همان نقاط پنهان شده در فضای سفید بین سطرهای آثار شکسپیر است. رمان اوفارل صدای همسر و تنها پسر از دست رفته شکسپیر است که از پشت پرده تاریخ جان می‌گیرند و روی صحنه می‌آیند.

«اوفارل برای نگارش این اثر از چه منابعی استفاده کرد؟

اوفارل در یکی از گفت‌وگوهایش در گرد همایی‌های ادبی می‌گوید کتاب‌های بیشماری از جمله تمهائی آثار شکسپیر، همین‌طور چندین زندگینامه را از او خط به خط خوانده، که برخی از آنها پیش از اینصند صفحه‌اند. همچنین مدت زیادی را در محل زندگی شکسپیر سپری کرده، به خانه همسر و سه فرزند او که در حال حاضر به موزه تغییر کاربری داده شده سر زده و فضا سازی داستان‌ها را بر اساس مشاهدات عینی خود بنا کرده. اوفارل برای نوشتن این رمان فرهنگ، آداب و سنن، پوشاک، خوراک و زبان رایج قرن شانزدهم را مطالعه و واکاوی کرده و تا آن جا پیش رفته که برای درک بهتر شخصیت زن داستان‌ها همچون دوست‌آموز کردن پرنده شکاری را آموخته است. اوفارل نویسنده‌ای است که با دقت و موشکافی تلاش می‌کند سبک و

سباق زبان قرن شانزدهم را در رمانش رعایت کند و در عین حال، از زبان مدرن امروزی نیز فاصله‌نگیرد و برای این منظور از زبان شناسان و ویراستاران خبره کمک می‌گیرد.

«رمان «همیت و جودیت» می‌تواند هر خواننده‌ای را با هر میزان سواد ادبی جذب کند، چه آنان که شکسپیر را خوب می‌شناسند و با غزلیات و نمایشنامه‌هایش آشنا هستند، چه آن‌ها که فقط نامی از او شنیده‌اند

«شکسپیر، نمایشنامه‌نویس، شاعر و بازیگر انگلیسی بود که بسیاری از او به عنوان بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویس جهان یاد می‌کنند. از این حیث تجربه ترجمه این اثر برای شما چگونه بود؟

در حقیقت، رشته تحصیلی من ادبیات انگلیسی بوده و در نتیجه از همان ابتدا باید با شکسپیر و آثارش آشنا می‌شدیم و خواندن نمایشنامه‌ها و برخی اشعارش جزو سرفصل مطالعاتی ما بود، اما خواندن این اثر علاوه بر اینکه تصویری روشن و واضح از دنیای خیال‌انگیز و دور از دسترس ملک الشعراء انگلستان برام ساخت، به طرز شگفت‌انگیزی باز زندگی پیوندم زد. ترجمه‌ی این اثر برمی‌گردد به خانه‌نشینی کرونایی و اجباری همه‌ی مردم در همه کشورها. به نظر من این اثر بیش از اینکه درباره شکسپیر یا زندگی خانوادگی اش باشد، به مفهوم و فلسفه زندگی، قدرت طبیعت، زمین، وزن در ایجاد و خلق رابطه‌ای ژرف و اسرارآمیز با جهان هستی پیرامون ما می‌پردازد، درست زمانی که در دام خرده عادت‌های زندگی روزمره، فنای‌گیری انسان را فراموش می‌کنیم و از آغوش طبیعت کنده و گم می‌شویم، ناقوس مرگ در گوش مان زنگ می‌زند که فرصت غنیمت است برای دریافتن زندگی.

«از فعالیت‌های اخیر و حال حاضر، خبری برای مخاطباتان دارید؟

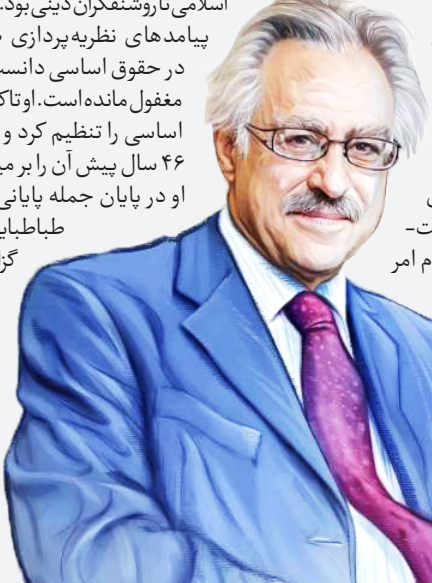
اخیراً کتاب «خوشا نقاش بودن!» از ویرجینیا وولف با ترجمه من و به همیت نشر آبان در مجموعه بی‌ظنیر آکفرایس در حوزه هنر چاپ شده است. توصیه می‌کنم این مجموعه را در فهرست خواندنی‌هایتان بگذارید.

معرفی مولف و کتاب:

مگی اوفارل نویسنده انگلیسی - ایرلندی خالق هشت رمان با عناوین پس از رفتن معشوقه معشوقه ام فاصله‌ی من با ناپدید شدن از میلیون‌س دستی که اول بار دستم را گرفت راهکارهایی برای موج گرما اینجا همان جاست و همیت و جودیت است او برای برخی از این رمان‌ها جوایز ادبی کاستا و سامرست موام را از آن خود کرده. گاردین درباره او می‌نویسد: «کتابهای او فارل را نمی‌توان بر زمین گذاشت همیت و جودیت روزنه‌ای است برای ورود به دنیای پر رمز و راز پشت پرده زندگی ویلیام شکسپیر نمایشنامه‌نویس و شاعر بزرگ انگلستان. مگی اوفارل (زاده ۲۷ مه ۱۹۷۲) یک رمان‌نویس ایرلندی و انگلیسی است. اولین رمان او «پس از آنکه شما بروید» با تحسین بین‌المللی روبرو شد و جایزه Betty Trask را نیز کسب کرد. او با عنوان The Hand that Held Mine جایزه رمان کاستا و سامرست ۲۰۱۰ را کسب کرد. او دو بار در سال ۲۰۱۴ و دو بار برای جایزه کاستا، رمان جایزه راهنمایی برای «یک موج گرما»، و «این باید در سال ۲۰۱۷ قرار بگیرد» در لیست بهترین‌های قرار گرفت.

فیلسوف مصالحِ ملی ایران

را نمونه تداوم ناگزیر تاریخی ایران می‌دانست: از آن به دیر مغانم عزیز می‌داند که آتش‌کی نمیرد همیشه در دل ماست. در ادامه بخش دوم، محمد قوچانی روزنامه‌نگار و پژوهشگر آخرین یادداشت طباطبایی، انقلاب ملی در انقلاب اسلامی را یکی از مهم‌ترین نوشته‌های او می‌داند که طباطبایی توانست آن را بسط و گسترش دهد. قوچانی تناقض‌های سیاسی حاکمیت بر اساس عمق راهبردی را با تکیه بر نظریه ایران بزرگ فرهنگی جواد طباطبایی به نقد کشید و حضور مجسمه صدام در رام... و بی‌توجهی ما به محدوده ایران فرهنگی را نشان از عدم شناخت کارگزاران از منافع ملی دانست که جواد طباطبایی درصدد تغییر این نگاه با نظریه ایران‌شهری و نقد جریان‌ات روشنفکری از مارکسیست‌های اسلامی‌تاروشن‌فکران دینی بود. در ادامه جناب قوچانی پیامدهای نظریه‌پردازی طباطبایی را جنبشی در حقوق اساسی دانست که از زمان مشروطه مغفول مانده است. او تأکید کرد باید سند حقوق اساسی را تنظیم کرد و باید مراقب بود چون ۴۶ سال پیش آن را بر میل خود تنظیم نکنند. او در پایان جمله پایانی آخرین اثر سید جواد طباطبایی را ذکر کرد که با آن این گزارش را به پایان خواهیم برد: علم سیاست قلمرو ساده‌لوحی و کوشش برای رسیدن به منافع خصوصی به هر بهایی نیست؛ در قلمرو سیاست، اندیشیدن منطق منافع ملی است.



از مهم‌ترین نویسندگان مولف در زمینه فلسفه به شکلی عام و اندیشه سیاسی با شکلی خاص. بعد از انقلاب مشروطه است که آثارش بارها تجدید چاپ می‌شوند و همیشه به شکلی در بازار کتاب نایاب‌اند. در این نشست که در سه بخش از ساعت ۱۵ الی ۲۰ ادامه داشت، با موضوع آینده تفکر در ایران؛ امکان یا امتناع مدرنیته و توسعه، سخنرانان جنبه‌های مختلف اندیشه‌ی وی را بررسی کردند، اما این گزارش فقط بخش اول و دوم این نشست را دربر می‌گیرد. در بخش ابتدایی، دکتر موسی غنی‌نژاد از مهم‌ترین اقتصاددانان ایرانی، از میراث جواد طباطبایی سخن خویش را آغاز کرد و تصریح کرد نوشته‌های او در ایران مسیری تازه در حوزه اندیشه فلسفی در باب مشکل ایران را گشود، راهی که با آن می‌توان ضرورت‌های عقلانی توسعه ایران و بحران‌های آن در این سال‌های پس از انقلاب مشروطه را درک کرد و در همین مسیری که طباطبایی آن را تاسیس کرده می‌توان با تدقیق مفاهیم و پیروزش در باب آثار طباطبایی این مسیر عملی را پیمود تا بتوان بر مشکلات نظری و در نهایت عملی ایران در زمینه توسعه و مدرنیته فائق شد. در ادامه ابراهیم صحافی از پژوهش‌گران اندیشه سیاسی، خلاصه‌ای موج‌ز از اندیشه طباطبایی را عرضه کرد؛ ایشان ابتدا از آگاهی ملی سخن خویش را آغاز کرد و با بیان این مفهوم در اندیشه طباطبایی و تسلط نگاه ضد ملی در سال‌های گذشته در فضای فکری جامعه، ایرانیان را دارای آگاهی ملی تاریخی حتی نسبت به اروپاییان دانست. او با توصیف تاریخ اروپا و به وجود آمدن دولت - ملت‌ها، ایرانیان را قبل از ظهور عصر مدرن دارای ملیتی منحصر به فرد صورت‌بندی کرده که البته تا سال‌ها ایرانیان کلمه مشخص برای بیان و توضیح ملت بودن خویش تا زمان انقلاب مشروطه نداشتند. آقای صحافی در ادامه با تکیه بر نظریات طباطبایی، ایدئولوژی‌های اجتماعی پس از دهه بیست ششمی را مانعی برای آگاهی ملی دانست و نقد آن‌ها را محملی برای برگردشتن از آنها برای رسیدن به آگاهی

اشکان دانایی

پژوهشگر

پنجشنبه نهم اسفندماه مصادف شد با دومین سالروز مرگ ناهنگام فیلسوف ایران سید جواد طباطبایی استاد پیشین دانشگاه تهران، دارنده نشان نخل آکادمیک فرانسه و دارنده نشان برگزیده جشنواره فارابی که در نهم اسفندماه سال چاهرصد و یک بعد از چند سال مبارزه با سرطان در اروابن کالیفرنیا روی در خاک کشید. در همین روز به همت (انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا)، سالن فردوسی بوستان و رشو تهران میزبان نشستی در گرامیداشت اندیشمندی یگانه بود که در سه‌دهه به شکلی خستگی‌ناپذیر (چه با نام و چه با ننگ) از مصالح ملی ایران و ایرانیان دفاع کرد. او با نظریه‌ای علمی و با زرفنایی تاریخی و فلسفی قلم را برای کشف سوبه‌های بحرانی ایران به رقص واداشت و سال‌ها در دانشگاه تدریس کرد به جرم ملی‌گرایی و لیبرال بودن از دانشگاه تهران اخراج شد. او در شهرهای ایران و ایرانیان دوستی در توضیح آثار خویش کوشید و سال‌ها استادان و دانشجویان ایرانی را در زمینه اندیشه سیاسی استاد فریخته‌ای بی‌مانند بود. او از اولین آثارش مخاطبان بسیار یافت و علاقه‌مندان و منتقدان اش در ایران و در خارج از ایران از بحث درباره اندیشه‌های او ناگزیرند چرا که طباطبایی تحریر محل نزاع در موضوع (مشکل ایران) را به خوبی می‌شناخت و می‌دانست پیش از او هیچ‌کس نتوانسته نواحی مهم آن را با نور عقل و با زبانی روشن چنان مطرح کند که همگان به ضرورت اندیشه (به مشکل ایران) از زاویه‌ای که او به آن می‌نگرد، ناگزیر باشند. تأثیر وی را می‌توان حتی در بازار نشر ایران نیز از زاویه‌ای دیگر نگریست؛ از اولین اثر وی؛ زوال اندیشه سیاسی در ایران ۱۳۷۱ تا آخرین مجلدی که در زمان حیات وی به چاپ رسید، ملت، دولت و حکومت قانون؛ جستار در بیان نص و سنت و ۱۴۰۰ او